

راهبردهای عمل‌گرایانهٔ اسلام در روابط با غیرمسلمان‌ها

علی‌اکبر علیخانی*

چکیده

اسلام به عنوان یک دین فرازمانی و فرامکانی، قاعداً باید شیوه‌ها و قواعدی ارائه دهد که امروزه با رویکرد عمل‌گرایانه و تسهیل‌کننده، مبنای روابط و تعامل مسلمان‌ها با غیرمسلمان‌ها قرار گیرد. پرسش مقاله این است که راهبردهای پیش‌برنده و تسهیل‌کنندهٔ اسلام برای داشتن روابط با غیرمسلمان‌ها کدام است؟ مقصود از اسلام، قرآن و سنت است و در مواردی به سیرهٔ امام علی (ع) نیز اشاره شده است. منظور از «راهبرد» یا استراتژی؛ برنامه‌ها، روش‌ها، خط‌مشی‌ها، و رهنمودهای کلی، اساسی، و تقریباً دائمی است که برای رسیدن به اهداف خاص و از پیش تعیین شده، مورد استفاده قرار می‌گیرند. منظور از راهبردهای عمل‌گرایانه، راهبردهایی است که بیشتر جنبهٔ عینی و عملی دارند و در روان‌سازی تعاملات و روابط بین

* دانشیار دانشگاه تهران (aliakbaralikhani@gmail.com)

تاریخ پذیرش: 1391/11/8

تاریخ دریافت: 1391/2/20

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هشتم، تابستان 1392، صص 57-79.

مسلمان‌ها و غیر مسلمان‌ها، نقش و تأثیر قابل توجه‌ای ایفا می‌کنند و می‌توانند موانع و بن‌بست‌های پیش رو را از میان بردارند. راهبردهای عمل‌گرایانهٔ اسلام را در روابط با غیر مسلمان‌ها، در سه دسته مورد بحث قرار داده‌ایم، نخست راهبردهای معطوف به مذاکره و گفت‌وگو شامل: اصالت گفت‌وگو، برحق ندانستن خود در گفت‌وگو، و نپرداختن به موضوعات مناقشه‌برانگیز، دوم راهبردهای معطوف به توافق شامل: ادای حقوق دیگران، و توافق بر سر مشترکات، و سوم راهبردهای معطوف به اجرا شامل: پایبندی به عدالت، و ایجاد قرارداد و پایبندی به آن.

واژه‌های کلیدی: اسلام، غیر مسلمان‌ها، روابط بین‌الملل، گفت‌وگو

مقدمه

انسان‌ها از هر ملیت، هر دین و هر مذهب که باشند ناگزیر به داشتن روابط و تعامل با یکدیگرند، اما نکته مهم، کیفیت و نحوه این تعامل است و اینکه این روابط بتوانند به بهترین وجه، عالی‌ترین صورت و در قالب‌های تعریف‌شده، امور جوامع بشری را به نحو مطلوب به پیش ببرند. می‌توان در قرآن و سنت نوعی نگرش به روابط انسانی و نوعی قواعد یافت که بتواند امروزه با رویکرد عمل‌گرایانه و تسهیل‌کننده، مبنای روابط و تعامل با غیرمسلمان‌ها قرار گیرد. پرسش مقاله این است که راهبردهای پیش‌برنده و تسهیل‌کننده اسلام برای داشتن روابط با غیرمسلمان‌ها کدام است؟ گفتیم که مقصود از اسلام، قرآن و سنت است و در مواردی به سیره امام علی (ع) نیز اشاره کرده‌ایم.

منظور از «راهبرد» یا استراتژی؛ برنامه‌ها، روش‌ها، خط‌مشی‌ها، و رهنمودهای کلی، اساسی، و تقریباً دائمی است که برای رسیدن به اهداف خاص و ازپیش‌تعیین‌شده، مورد استفاده قرار می‌گیرند و کیفیت و چگونگی رسیدن به هدف را برای ما تعیین می‌کنند. این مفهوم ابتدا برای اهداف نظامی استفاده می‌شد، سپس به حوزه‌های سیاست و اقتصاد نیز راه یافت. منظور از راهبردهای عمل‌گرایانه، راهبردهایی است که بیشتر جنبه عینی و عملی دارند و در روان‌سازی تعاملات و روابط بین مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها، نقش و تأثیر قابل‌توجه‌ای ایفا می‌کنند و می‌توانند موانع و بن‌بست‌های پیش‌رو را از میان بردارند. این راهبردها در سعه صدر، آینده‌نگری، کلان‌نگری، واقع‌بینی و واقع‌گرایی افراد ریشه دارند و می‌توانند این فرهنگ را تثبیت و نهادینه سازند. همچنین تا حد زیادی بر رشد عقلی مردم و جوامع مبتنی هستند و از طریق آموزش، تربیت و تمرین به دست می‌آیند. جامعه‌ای

می‌تواند چنین راهبردهایی را پیشه خود سازد و بر آنها پای فشارد که در فرایند تربیتی آموخته باشد که همیشه سعه صدر، مدارا، گفت‌وگو، تفاهم، گذشت و ویژگی‌هایی از این قبیل، به مراتب دستاوردهای بیشتر اخروی و دنیوی نصیب انسان‌ها می‌کند و دین اسلام نیز همین راه را دنبال کرده است. راهبردهای عمل‌گرایانه اسلام را در روابط با غیرمسلمان‌ها، در سه دسته مورد بحث قرار داده‌ایم، نخست راهبردهای معطوف به مذاکره و گفت‌وگو، دوم راهبردهای معطوف به توافق، و سوم راهبردهای معطوف به اجرا.

۱. پیشینه تحقیق

بحث در موضوع رابطه مسلمان‌ها و جامعه اسلامی با غیرمسلمان‌ها سابقه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد، چون از بدو ظهور اسلام این بحث همواره مطرح بوده است. در دوره‌های پس از صدر اسلام، این موضوع بیشتر جنبه فقهی پیدا کرد و در قالب انواع قراردادهای با غیرمسلمانان در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفت. چکیده کل این مباحث را در بعضی از مجلدات مجموعه «تهدیه جلدی «فقه سیاسی» اثر مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی (منتشرشده توسط انتشارات امیرکبیر) می‌توان دید. دکتر سید صادق حقیقت در کتاب «مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلام» مباحث مبسوطی در مورد سیاست خارجی دولت اسلامی مطرح کرده که عمده مباحث مبتنی بر قرآن، سنت و قواعد فقهی است. بعد از مفاهیم و کلیات، فصل اول کتاب به مبانی سیاست خارجی دولت اسلامی، فصل دوم به اصول سیاست خارجی دولت اسلامی، فصل سوم به اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، و فصل چهارم به مدرنیته و روابط خارجی دولت اسلامی می‌پردازد (حقیقت، 1385). شاید بتوان این اثر پژوهشی را دقیق‌ترین و جامع‌ترین اثر در این موضوع دانست. آثار دیگری موضوع روابط با غیرمسلمان‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند که از جمله می‌توان به دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام تألیف سید عبدالقیوم سجادی (سجادی، 1383)؛ روابط بین‌الملل در اسلام تألیف آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (جوادی آملی، 1388)؛ اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر تألیف دکتر محمد غفوری (غفوری، 1387) و دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام تألیف سید

محمد موسوی (موسوی، 1386) اشاره کرد. تمام این آثار به موضوعاتی شبیه هم و کم و بیش کلی پرداخته‌اند، و به جز کتاب دکتر حقیقت که جنبه پژوهشی و تحلیلی و روزآمدی دارد، اثر مرحوم عمید زنجانی از همه اینها کامل‌تر و مستندتر است. ویژگی مقاله حاضر این است که نسبت به آثار فوق یک گام پیش‌تر نهاده، و به طور دقیق‌تر و عمل‌گرایانه‌تر، به راهبردهایی مبتنی بر قرآن و سنت در روابط با غیرمسلمان‌ها می‌پردازد. طبیعی است که این مقاله هم نقاط ضعف و قوت خود را داشته باشد که با نقد خوانندگان فرهیخته تکمیل‌تر خواهد شد.

2. راهبردهای معطوف به گفت‌وگو

2-1. اصالت گفت‌وگو

گفت‌وگو همواره از مهم‌ترین راهبردهای مورد توجه اسلام برای پیشبرد امور و حل مشکلات و مسئله‌ها بوده است و قرآن تأکید دارد که گفت‌وگو، با رعایت حرمت و احترام متقابل و به نحو مطلوب صورت پذیرد¹ و مبتنی بر استدلال باشد.² اولین شرط گفت‌وگوی احسن و استدلالی، این است که به دور از تعصب، جمود، یک‌سونگری، کوچک‌شماری و هیچ‌انگاری طرف مقابل باشد. در گفت‌وگوی معقول و مستدل، انسان‌ها به دنبال فهم بیشتر و دقیق‌تر یکدیگر و شرایط موجود، و کشف راهکارها و نگرش درست‌تر و بهتر هستند؛ بنابراین، در موضع تدافعی و جدل قرار نمی‌گیرند. گفت‌وگو ممکن است در سطوح مختلف و با اهداف مختلف صورت پذیرد. سطح اول گفت‌وگو می‌تواند با رویکرد دانستن و با هدف فهم و درک بهتر و بیشتر طرف‌های مقابل برای دستیابی به راه‌حل درست‌تر باشد. خداوند در قرآن به موارد متعددی از گفت‌وگوی پیامبران الهی با مخالفانشان اشاره می‌کند³ و در تمام آنها استدلال حاکم است. به پیامبر اسلام (ص) هم امر می‌کند که با

1. وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. عنکبوت (29): 46. / ... وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. نحل (16): 125. / ... ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. فصلت (41): 34. / فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا... طه (20): 44.
2. وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. بقره (2): 111.
3. گفت‌وگوی نوح با مشرکان: اعراف (7): 64-59. هود (11): 36-25 و شعراء (26): 105-124. گفت‌وگوی ابراهیم با بت‌پرستان: انعام (6): 4-83 و شعراء (26): 69-104. گفت‌وگوی ابراهیم با نمرود: بقره (2): 258. گفت‌وگوی هود با مخالفان: اعراف (7): 72-65. گفت‌وگوی موسی با فرعون و فرعونیان: طه (20): 76-49 و شعراء (26): 56-18.

بت پرستان و دشمنانش شیوه گفت و گو را در پیش بگیرد.¹ اساس حرکت و اقدام پیامبر اسلام (ص) از آغاز بعثت، گفت و گو بود. آن حضرت دعوت خویش را با گفت و گو و استدلال آغاز کرد (غضبان، 1379، ج 1: 209-207 و 138-135) و وقتی در مکه، بت پرستان و مخالفانش با اقدامات خشونت آمیز امکان هر گونه گفت و گو را سلب کردند مکه را ترک کرد و به شهر دیگری که زمینه مناسب‌تری وجود داشت و امکان گفت و گو موجود بود رفت (همدانی، 1359، ج 1: 268-269 و 476-459). در شهر جدید یعنی مدینه و اطراف آن، قبایل مختلف با دین‌های گوناگون زندگی می‌کردند. در مرحله بعد، سطح دوم گفت و گو برای توافق بر اصول کلان و اساسی انجام شد. مدتی پس از ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه نیز گفت و گو در سطح دوم، مبنای حرکت و اقدام پیامبر (ص) قرار گرفت و اوج این گفت و گو در قالب یک قرارداد مکتوب به مثابه قانون اساسی به توافق رسید و به بار نشست و طی آن روابط مسالمت آمیز همه افراد و ادیان به رسمیت شناخته شد و امنیت همگان تضمین گردید (رک: حمیدالله، 1374: 110-103؛ ابن هشام، بی‌تا، ج 2: 147؛ ابن کثیر، بی‌تا، ج 1: 419؛ الاحمدی المیانجی، 1339: 241). سطح سوم گفت و گو می‌تواند برای یافتن زمینه‌های مشترک برای همکاری و سطح چهارم گفت و گو با هدف رفع موانع و حل اختلافات سیاسی اجتماعی در مسیر همکاری انجام شود. پس از استقرار پیامبر اسلام (ص) در مدینه، برخی گروه‌ها و قبایل پیمان خود را شکستند و به انجام کارهای خصومت آمیز اقدام کردند. یکی از اینها قبیله بنی قینقاع بود که پیامبر اسلام (ص) تلاش کرد با بحث و گفت و گو آنها را متقاعد کند که دست از این اقدامات بردارند (ابن هشام، بی‌تا، ج 1: 51-50؛ الطبرسی، 1399ق / 1979م: 89-90). همچنین قبل از جنگ بدر، پیامبر اسلام (ص) عمر بن خطاب را برای مذاکره و گفت و گو نزد لشکر مقابل فرستاد تا دست از نبرد بردارند ولی نپذیرفتند، ابوجهل بانگ زد که ما بر نمی‌گردیم و به گفت و گو تن نداد (محمدبن عمر واقدی، 1369: 45). گفت و گوهای پیامبر اسلام و امام علی (ع) با غیرمسلمانان مشهور است و بارها انجام شده است (رک: طبرسی، 1387، ج 1:

1. أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. نَحْل (16): 125.

در سیره امام علی (ع)، گفت و گو به خصوص با مخالفان و دشمنان، یک راهبرد مهم و اصلی برای حل مسائل به شمار می رفت. قبل از وقوع جنگ جمل، حضرت علی (ع) بسیار تلاش کرد، چه شخصاً و چه با فرستادن نمایندگان متعدد، با طلحه، زبیر و سایر سران طرف مقابل گفت و گو کند و آنان را از جنگ منصرف سازد (ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، 1367: 204-200). مکاتبات امام علی (ع) با معاویه و فرستادن نماینده، نیز نوعی گفت و گو برای حل مسئله بود و تا قبل از جنگ صفین و در حین جنگ، این مذاکرات ادامه داشت (المنقری، 1370: 130-125 و 153-156 و 207-209). گفت و گوهای امام علی (ع) با خوارج که مهم ترین گروه مخالف و دشمن بودند نیز مشهور است. امام (ع) بارها آنها را به بحث و گفت و گو دعوت کرد تا مسائل حل و ابهامات روشن شود (طبری، 1375، ج 6: 2610-2606). زمانی هم که گفت و گو اتفاق نمی افتاد و یا گفت و گوها به بن بست می رسید امام علی (ع) مدارا می کرد و منتظر فرصت های بعدی می ماند. قبل از جنگ نهروان، امام علی (ع) چند بار نمایندگان فرستاد و سپس خود آن حضرت به استدلال و گفت و گو پرداخت تا طرف مقابل را از جنگ منصرف سازد (همان؛ نهج البلاغه، 1371: خطبه 122-120؛ سبط بن الجوزی، بی تا: 69). امام علی (ع) لشکر مقابل را به لحاظ سابقه و طرز تفکر به چند گروه تقسیم کرد تا با هر گروه، متناسب با منطق فکری آنان و بر اساس نقاط مشترک گفت و گو کند (طبری، 1375، ج 6: 2615-2610).

بررسی ها در آموزه های قرآن و سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه، نشان می دهد که از نظر آنان، گفت و گو تنها شیوه معقول و مشروع برای حل اختلافات و منازعات جوامع بشری، و حل مسائل سیاسی و اجتماعی است. گفت و گو باید بر مبنای نقاط مشترک و مورد اتفاق آغاز شود و در همان چهارچوب به پیش برود. در صورت به بن بست رسیدن یا توقف گفت و گو، راه بعدی با تغییر شرایط و زمان - باز هم گفت و گو است. شاید بتوان مهم ترین ویژگی و وجه تمایز انسان را از سایر موجودات، تفکر، تعقل و تکلم دانست. گفت و گو و اقامه برهان و استدلال، همیشه از مهم ترین شیوه های مورد تأکید اسلام بوده است. طبیعی است که

گفت‌وگو باید بر اساس نگرش احترام‌آمیز و:
 در مرحله اول با هدف شناخت و درک یکدیگر؛
 در مرحله دوم با هدف توافق بر اصول کلی و اساسی؛
 در مرحله سوم با هدف یافتن نقاط مشترک عملی برای تعامل و همکاری؛
 در مرحله چهارم برای حل مسائل و اختلافات احتمالی در مسیر همکاری،
 صورت پذیرد تا معطوف به نتیجه و دارای اثرات مثبت باشد و بتواند پل‌های
 ارتباطی را تقویت کند. نکته مهم در گفت‌وگو این است که طرف‌های مختلف
 تصور نکنند از اینکه باورمند به یک دین هستند یا از آن طرف‌داری می‌کنند در اصل
 خدمتی به آن دین کرده‌اند، بلکه باید معتقد باشند که با باور و عمل به آن دین، در
 اصل خودشان رستگار می‌شوند و این دین است که به آنها خدمت و نیکی کرده و
 راه درست را نشان داده، نه اینکه اینها با عمل به دین، متنی بر دین گذاشته‌اند یا
 متصدی و مسئول آن دین هستند. اگر انسان‌ها از ادیان پیروی نکنند هیچ ضرری به
 ادیان وارد نمی‌شود، بلکه ادیان الهی و از جمله اسلام مجموعه‌هایی از احکام و
 دستورات هستند که انسان‌ها با برگرفتن این احکام و با داشتن ایمان به خدا،
 خودشان رستگار می‌شوند و به نفع خودشان عمل می‌کنند. هر کس می‌تواند
 داشته‌ها و تجربه‌های معنوی و مفید خود را در اختیار دیگران نیز قرار دهد. نکته
 دوم اینکه در مواردی که اشاره شد در یک طرف انبیا و پیامبران الهی و امام علی
 (ع) قرار داشتند و در طرف دیگر مشرکان و غیرمسلمانان، باین حال گفت‌وگو به
 عنوان راهبرد اصلی اتخاذ می‌شد.

2-2. برحق ندانستن خود در گفت‌وگو و تعامل

معمولاً هر کس با هر اعتقاد و نگرشی خود را برحق و راه خود را درست‌تر
 می‌داند، برحق بودن دین اسلام نیز مورد تصریح قرآن قرار گرفته است¹ و دلایل
 محکم و متقن عقلی و نقلی در این خصوص وجود دارد که در جای خود
 قابل توجه و بررسی است، اما در تعامل مسلمانان با غیرمسلمانان، یا تعامل گروه‌ها و

1. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا
 بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ إِلَهَهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ. آل عمران (3): 19، وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ
 الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. آل عمران (3): 85.

انسان‌های مختلف هر جامعه‌ای، اگر از ابتدا هر کس این بحث را مطرح کند که من برحق هستم و طرف مقابلم باطل است، راه هر گونه گفت و گو و تعامل بسته می‌شود. قرآن به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که به مشرکان بگوید، یا ما یا شما، یکی در راه هدایت و یکی در راه گمراهی است.¹ هر چند پیامبر (ص) می‌دانست که در راه هدایت است اما در بحث با طرف مقابل، خود را هدایت‌شده و برحق نمی‌داند، بلکه به طرف مقابل می‌گوید یکی از ما برحق است، تا راه گفت و گو و استدلال و در نهایت تعامل و همکاری باز بماند. زمخشری معتقد است این سخن پیامبر و این نوع برخورد کاملاً منصفانه است و هر موافق و مخالفی که آن را بشنود خواهد گفت گوینده آن به انصاف عمل می‌کند (زمخشری، 1407ق، ج 3: 581).

قرآن به مسلمانان دستور داده که در گفت و گو با اقلیت‌های دینی آن زمان، بگویند که به آنچه از طرف خدا بر ما و بر شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و شما یکی است² و این به معنی برابر تلقی کردن خود با طرف مقابل در گفت و گو است. در همین راستا، پیامبر اسلام (ص) به مسلمانان فرمود: اقلیت‌های دینی را نه تأیید کنید نه تکذیب، بلکه بگویید به خداوند و آنچه بر ما و بر شما نازل کرده ایمان داریم (البخاری، حدیث 2684). در سخن مشابه دیگری، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید کتاب اقلیت‌های دینی را نه تأیید کنید و نه تکذیب، در این صورت اگر آنها در موضوع مورد بحث، حق و درست باشند شما آن حق را تکذیب نکرده‌اید، و اگر باطل و نادرست باشند شما آن باطل را تأیید نکرده‌اید (احمد بن حنبل، 1420ه.ق. / 1999م، ج 4: 136؛ فیض کاشانی، 1415ق، ج 4: 119). این سخن بدین معنی است که اقلیت‌ها یا افرادی که تفکرشان مخالف ماست ممکن است در برخی موضوعات مورد بحث، سخن حق بگویند یا بخشی از اعتقادات و آموزه‌های آنها درست باشد، علامه طباطبایی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند (طباطبایی، 1367، ج 1: 239).

در مباحث و مسائل سیاسی اجتماعی نیز بهتر است با همین شیوه به پیش

1. قل من یرزقکم من السماوات و الأرض، قل الله و إنا أو ایاکم لعلی هدی أو فی ضلالٍ مبین. سبأ (34): 24.

2. وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. عنكبوت (29): 46.

برویم. امام علی (ع)، هنگام عزیمت برای جنگ جمل، به مردم کوفه نامه نوشت و آنها را به مشاهده و قضاوت دعوت کرد و گفت: من در این اقدام خود یا ستمکارم یا ستم‌دیده، یا نافرمانم یا مردم از فرمان من سر کشیده، من از شما می‌خواهم نزد من بیایید، اگر نیکوکار بودم و راهم درست بود یاری‌ام کنید، و اگر در خطا بودم از من بخواهید تا به راه حق بازگردم (نهج البلاغه، 1371، نامه 57: 343). روشن است که امام می‌دانست راهش درست و برحق است ولی این شیوه استدلال و گفت و گو را پیش گرفت. هنگام عزیمت امام علی (ع) برای جنگ صفین یاران عبدالله بن مسعود نزد او آمدند و گفتند، در حقانیت شما شک داریم؛ به همین دلیل، به صفین می‌آییم ولی در اردوگاه شما فرود نمی‌آییم، تا بین شما و معاویه بنگریم و ببینیم از کدام طرف ظلم و گردنکشی سر می‌زند، حقانیت هر طرف که برای ما ثابت شد به او خواهیم پیوست. امام علی (ع) از این تفکر بسیار استقبال کرد و آن را به‌کاربردن بصیرت در دین، و به‌کار بستن دانش در سنت دانست و فرمود: هر کس به چنین پیشنهادی راضی نشود ستمگر است (المنقری، 1370: 162-161). «قاعده الزام» در فقه نیز به نوعی به رسمیت شناختن اعتقادات هر کس است، این قاعده به معنی وادار کردن شخص به عمل بر اساس معتقدات و مبنای دینی و اعتقادی خویش است، اگرچه از نظر ما نادرست باشد (الحر العاملی، 1409ه.ق، ج 15 و ج 17: باب 4، 484؛ منتظری، 1409 ق، ج 3: 454؛ بجنوردی، 1419ه.ق، ج 3: 177).

3-2. نپرداختن به موضوعات مناقشه‌برانگیز

راهنما مهم بعدی که در روابط و تعامل با غیرمسلمان‌ها رهگشاست و روند همکاری را تسهیل می‌کند نپرداختن به موضوعات مناقشه‌برانگیز است. انسان‌ها دارای نقطه نظرات مشترک و متفاوت با یکدیگر هستند، به نظر می‌رسد اختلاف نظرهای افراد با یکدیگر در موضوعات گوناگون، به مراتب بیشتر از اتفاق نظرهای آنان باشد ولی انسان‌ها همیشه بر اساس وجوه مشترک دیدگاه‌ها و منافعشان به تعاملات سیاسی اجتماعی می‌پردازند یا با مشارکت و همکاری یکدیگر، کارها را شروع می‌کنند و یا اموری را سامان می‌دهند. طبیعی است که در چنین حالتی، نکات مورد اختلاف آنها - که ممکن است ربطی هم به کار یا تعامل مورد توافق آنها

نداشته باشد - نباید مداخله گر شود، و لازم است از وارد کردن مسائل و مباحث اختلاف‌برانگیز پرهیز گردد. چنان‌که گفتیم در تعامل پیامبر اکرم (ص) با اهل کتاب، پیامبر (ص) سفارش کرده که اهل کتاب را نه تأیید کنید و نه تکذیب، بلکه بر نقاط مشترک یعنی ایمان به خدا و پیامبرانش تکیه کنید (احمد بن حنبل، 1420ه.ق/1999م، ج 4: 136؛ فیض کاشانی، 1415ه.ق، ج 4: 119). چون تأیید و تکذیب، پرداختن به همان مسائل مناقشه‌برانگیز است که هیچ بهره‌ای هم به دنبال ندارد، ضمن اینکه با تأیید و تکذیب نکردن، جانب احتیاط هم رعایت می‌شود. همچنین وقتی پیامبر اسلام (ص) معاذ را به یمن فرستاد به او فرمود: اهل کتاب از تو سؤال خواهند کرد که کلید بهشت چیست؟ بگو گواهی دادن به یگانگی خداوند (الاحمدی المیانجی، 1339، ج 2: 583). در اینجا پیامبر اسلام (ص) بر نقطه مشترک و مورد وفاقی تأکید می‌کند که پرسش‌کنندگان غیر مسلمان، هم آن را درک می‌کنند و هم قبول دارند. در بحث قبل، توافق بر سر مشترکات را به عنوان یکی از راهبردهای اسلام مورد بحث قرار دادیم که عمل به این اصل، درحقیقت پرهیز از موضوعات مناقشه‌برانگیز خواهد بود.

3. راهبردهای معطوف به توافق

3-1. ادای حقوق دیگران

مفهوم «حق» به معنی حقوق افراد، که در یک معنای گسترده، در فرهنگ اسلامی از آن به «حق الناس» تعبیر می‌شود از مفاهیم عمیق و پیچیده سیاسی و اجتماعی اسلام است. واژه حق 247 بار در قرآن به کار رفته که حدود 40 مورد از آن به معنای حقوق است. حق مفهوم فراگیری است که تمام عرصه‌های مادی و غیرمادی زندگی بشر را در بر می‌گیرد، به حدی که مثلاً اگر فردی موجب شود در تعاملات روزمره اجتماعی وقت کسی تلف گردد یا با ایجاد شوک یا صدای ناهنجار، لحظه‌ای اضطراب به کسی وارد شود به همان اندازه حقی از او ضایع کرده و در دنیا و آخرت پاسخ‌گو است. به اعتقاد مسلمانان، پیامبر اسلام (ص) برترین و والاترین انسان در نظام آفرینش است و هیچ‌انسانی از هیچ‌نظر به شأن و رتبه پیامبر اسلام (ص) نمی‌رسد. آن حضرت به ادای حقوق دیگران بسیار توجه می‌کرد و مراقب بود

حقی از کسی بر عهده‌اش نباشد. برای این مورد نمونه‌های تاریخی فراوانی در سنت می‌توان یافت. در یکی از این موارد، مردی یهودی به نام زید بن سَعنه از پیامبر (ص) طلب داشت و با تندی آن حضرت را مورد خطاب قرار داد و طلبش را مطالبه کرد. این امر بر یاران پیامبر (ص) سنگین آمد ولی پیامبر اسلام (ص) با خوشرویی طرف زید بن سَعنه را گرفت و گفت او حق دارد که طلبش را بخواهد و بیش از حد طلب، به او پرداخت کرد (بیهقی، 1405ق/1985م، مقدمه: 33 و ج 6: 278؛ ابن اثیر، 1390ق، ج 2: 137). امام علی (ع) تصریح می‌کند که در این دنیا هراسانی دارای حقی است و حقی بر عهده اوست. تنها خداست که بر همگان حق دارد و کسی حقی بر او ندارد (نهج البلاغه، 1371، خطبه 34-33). بر اساس تأکید امام علی (ع) که در مقابل هر حقی تکلیفی وجود دارد و بالعکس، غیر مسلمانان و گروه‌های مختلف در هر جامعه نیز دارای حقوق و تکالیفی هستند و طبیعی است که عمل به تکلیف و ادای حق نیز متقابل است. این در جایی است که ادای حقوق منوط به یکدیگر است و شرط شده که اگر یک طرف، به تعهد خود عمل کند طرف مقابل نیز موظف است کار دیگری را انجام دهد، اما در بسیاری از موارد ادای حقوق دیگران یا نادیده گرفتن آن فقط به یک طرف بستگی دارد. طبق آموزه‌های اسلامی این طرف موظف به ادای حقوق است حتی اگر طرف‌های ذی نفع از حقوق خود آگاهی و اطلاع نداشته باشند و آن را طلب نکنند. پابندی به حقوق انسان‌ها و ادای آن، ضرورتی است که از سطوح فردی آغاز می‌شود و تا روابط بین ملت‌ها و در سطح کلان روابط بین‌الملل نیز جریان می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست و حکومت در اسلام ادای حقوق افراد است (ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، 1414ق/1993م، ج 1: 247؛ نهج البلاغه، 1371، خطبه 34-33). اهمیت این امر تا جایی است که امام علی (ع) به عنوان حاکم اسلامی می‌فرماید: اگر تمام آنچه در آسمان و زمین است به من دهند تا پوست جوی را به ناحق از دهان مورچه‌ای بگیرم چنین نخواهم کرد (نهج البلاغه، 1371، خطبه 259-224). آنچه به طور عام در زندگی انسان‌ها، و به طور خاص در روابط مسالمت‌آمیز انسان‌هایی با مذاهب و نگرش‌های مختلف اهمیت دارد این است که هیچ‌کس حقی را از دیگران ضایع نسازد و حقوقی را که به گردن دارد ادا

کند. این امر یکی از رئوس سیاست‌های امام علی (ع) بوده است (نهج البلاغه، 1371، خطبه 179-173). در تاریخ اسلام موارد متعددی از توجه به حقوق غیر مسلمانان و ادای حقوق آنها وجود دارد (ر.ک: قرضاوی، 1998: 59-58) که بدون تردید ریشه این میزان توجه و ادای حقوق، آموزه‌های اسلامی است.

2-3. توافق بر سر مشترکات

قرآن غیر مسلمان‌های اهل کتاب را دعوت می‌کند که با مسلمانان بر سر نقاط مشترک توافق کنند.¹ این توافق بر نقاط مشترک مهم ترین عامل برای تعامل و روابط خواهد بود. همچنین قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که به آنها بگویند به آنچه از سوی خداوند بر ما و شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و شما یکی است و ما همه تسلیم او هستیم.² خطاب قرآن در اینجا اهل کتاب است چون مخاطبان در هنگام نزول آیه، اهل کتاب بوده‌اند، شاید بتوان احتمال داد که هر غیرمسلمان دیگری اگر آن روز در مقابل مسلمانان وجود و موضوعیت می‌داشت آیه به آنان نیز اشاره می‌کرد، همان‌طور که واژه «همنوع تو در خلقت» در نهج البلاغه آمده است. بر اساس این دیدگاه امام علی (ع) - که برای جوامع بشری راهکار روابط و همکاری مطلوب، عمیق و راهبردی است - وقتی انسان‌ها با یکدیگر به تعامل می‌پردازند یا گروه‌های مختلفی در یک جامعه زندگی می‌کنند هر کدام از آنها دارای برخی آموزه‌ها، دیدگاه‌ها و یا منافع مشترک هستند. اگر دو انسان، هیچ نقطه مشترکی نداشته باشند دست کم در انسان بودن مشترکند (نهج البلاغه، 1371، نامه 53: 326) و پدر و مادر تمام آنها یکی است. این انسان‌ها به اقتضای شرایط زندگی و ضرورت‌های اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی، به گروه‌ها، اقوام، و ملیت‌های مختلف تقسیم شده‌اند و نگرش‌ها، خواست‌ها و منافع آنها متفاوت شده است.³ در برخی زمینه‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات، خواست‌ها و منافع افراد، گروه‌ها و ملت‌ها، به دلیل اقتضات و ضرورت‌ها، مشترک یا به هم نزدیک است و در برخی

1. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ. آل عمران (3): 64.
2. وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. عنكبوت (29): 46.
3. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. حجرات (49): 13.

زمینه‌ها نیز از هم دور است. اگر نقاط مشترک افراد و گروه‌های مختلف را به صورت دایره‌هایی رسم کنیم بخش‌های متقاطع و مشترک دایره‌ها، «نقطه تلاقی» است. هرچه افراد و گروه‌ها، به لحاظ اعتقادی، نگرشی، فرهنگی و منافع مادی، به هم نزدیک‌تر باشند محدوده تلاقی آنها بیشتر خواهد بود. پیدایش این حوزه‌های تلاقی اتفاقی نیست و ریشه در نگرش‌ها، اعتقادات خواست‌ها و منافع دارد؛ به همین دلیل، عواملی که این نقاط تلاقی و محدوده مشترک را پدید می‌آورند، برای طرف‌ها مهم و قابل‌اتکا هستند. مجموع عوامل ایجادکننده نقاط تلاقی و محدوده‌های مشترک، چهارچوب‌هایی را شکل می‌دهند که می‌تواند منشأ توافق و قرارداد، مبنای حرکت، تصمیم و عمل برای همزیستی مسالمت‌آمیز در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد. به‌هرحال همه افراد، گروه‌ها و کشورها، دست‌کم در یک یا چند زمینه دارای علائق و نقاط مشترک هستند که بتواند چهارچوب تلاقی آنها را شکل دهد.

4. راهبردهای معطوف به اجرا

4-1. پایبندی به عدالت

عدالت، سازوکار اجرایی مهمی در روابط بین‌انسان‌ها به شمار می‌رود که اگرچه یک امر جمعی است اما ضرورتاً به اقدام یا توافق چند طرف نیاز ندارد و فقط یک طرف می‌تواند آن را رعایت کند و به آن عمل نماید و کل افراد ذی‌ربط از تبعات آن بهره‌مند شوند. عدالت در قرآن دو نقطه ثقل دارد، یکی در مواجهه با دشمنان¹ و دیگر در مواجهه با نزدیکان و دوستان؛² یعنی بالاترین و مهم‌ترین نوع عدالت آن است که به‌خصوص در این دو عرصه رعایت شود. قرآن تصریح کرده که در مواجهه با دشمنان، دشمنی و کینه و خصومت نباید مانع رفتار عادلانه شود، و در مواجهه با دوستان، نزدیکان و همفکران، محبت و دوستی و منافع مشترک و تمایلات فامیلی و گروهی و حزبی و طبقاتی نباید عدالت را خدشه‌دار سازد؛

1. وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ. مائده (5): 8. وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2): 190.
2. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَالِلَّهِ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوْا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. نساء (4): 135.

بنابراین، ضرورت پایبندی به عدالت در همه حال و با همه کس، از ویژگی‌های بارز اسلام است. آیات متعددی از قرآن، مسلمانان را به رعایت عدالت در هر شرایطی فرمان داده‌اند. دستور صریح قرآن به پیامبر اسلام (ص) این است که اگر خواستی بین غیرمسلمانان قضاوت کنی به عدل و قسط حکم و رفتار کن.¹ عمل بر اساس عدالت، زمانی اهمیت و ارزش مضاعف می‌یابد که با غیرهم‌کیشان، و به‌خصوص با مخالفان و دشمنان باشد. دستور قرآن به مسلمانان این است که به کسانی که با شما نجنگیده‌اند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکرده‌اند نیکی کنید و بر اساس قسط با آنها رفتار کنید.² شأن نزول این آیه در مورد غیر اهل کتاب، یعنی کفار و مشرکان است (سیوطی، 1404ق، ج 6: 205؛ قمی، 1404ق، ج 3: 362). گذشته از بیان ضرورت رفتار عادلانه، این آیات نشان می‌دهند که چنین افرادی در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند و در آینده نیز ممکن است زندگی کنند، و مسلمانان دارای تعامل با آنها خواهند بود، پس موظفند به عدالت با آنها رفتار نمایند. قرآن مجدداً تصریح می‌کند که دشمنی شما با برخی افراد، نباید شما را از عمل عادلانه با آنان بازدارد. در تعامل با دشمنان نیز به عدالت رفتار کنید.³ همچنین قرآن امر می‌کند، در جنگ‌هایی که بین مسلمانان و دشمنانشان اتفاق می‌افتد مسلمانان به عدالت پایبند باشند.⁴ در جنگ و نسبت به دشمن خود از رفتار ناعادلانه بپرهیزند. وقتی مسلمانان حتی در مواجهه با دشمنان خود موظف به رعایت عدالت هستند طبیعی است با غیرمسلمانان غیردشمن و گروه‌های مختلف یا کسانی که با آنها زندگی و تعامل می‌کنند به طریق اولی باید به عدالت رفتار کنند. دستور قرآن در آیه دیگر این است که به عدالت رفتار کنید حتی اگر نتیجه آن علیه خود و نزدیکانتان باشد.⁵

عدالت در اسلام از جمله اصول اساسی و فراگیر در نظام سیاسی و اجتماعی

1. وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ. مانده (5): 42.

2. لَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. ممتحنه (60): 8.

3. وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ. مانده (5): 8.

4. وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2): 190.

5. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَالِلَّهِ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوْا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. نساء (4): 135.

است که از کوچک‌ترین موضوعات و مصادیق، تا کلان‌ترین آنها را در بر می‌گیرد. اگرچه اصل عدالت و فرمان به عدالت یک امر دینی و الهی است و خداوند بارها در قرآن به آن دستور فرموده است، ولی مصادیق و شاخص‌های عدالت به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارند و بیشتر یک امر عقلی و عملی هستند. بخش مهمی از عدالت، توافق تمام افراد و گروه‌های ذی‌نفع بر سر اصول و قواعدی است که قرار است در کشور یا جامعه جهانی جریان داشته باشد و به آن «عدالت توافقی» گفته می‌شود (ر.ک: عمید زنجانی، 1388: 25-11). در هر جامعه‌ای، عمل بر اساس عدالت، یکی از راهبردهای اساسی تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز به شمار می‌رود، و چنان که گفتیم نقطه ثقل این راهبرد، دستور قرآن به رفتار عادلانه با دشمنان و همچنین رفتار عادلانه با دوستان و نزدیکان است، اگرچه نتیجه این عدل به ضرر خودمان باشد. این امر می‌تواند یک اطمینان‌درونی و ضمانت بیرونی برای گروه‌های مختلف یا اقلیت‌ها در جامعه اسلامی ایجاد کند.

در زمان پیامبر اسلام (ص) دزدی‌ای اتفاق افتاد و دو نفر متهم شدند که یکی از آنها مسلمان و دیگری یهودی بود، مسلمانان از پیامبر اسلام (ص) خواستند که در آن شرایط حساس سیاسی و اجتماعی، به نفع مسلمان و به ضرر یهودی حکم کند تا حیثیت مسلمانان در آن قبیله و در شهر مدینه خدشه دار نشود و دین نوپای اسلام آسیب نبیند، ولی بلافاصله این آیه قرآن نازل شد که ما به حق به سوی تو کتاب فرستادیم تا بین مردم - طبق آنچه خداوند به تو نشان داده - داوری کنی و مدافع خیانتکاران و کسانی که به خود خیانت می‌کنند نباشی.¹ در نهایت پیامبر اسلام (ص) به ضرر فرد مسلمان و به نفع یهودی حکم داد (الواحدی، 1411ق: 3-182). همچنین این روایت معروف است که حضرت علی (ع) وقتی حاکم و رهبر جامعه بود زره خود را نزد یک یهودی یافت و از او بر قاضی شکایت کرد، ولی چون دلایل محکمه‌پسند نداشت قاضی‌ای که خود امام علی (ع) او را نصب کرده بود به ضرر آن حضرت رأی داد. فرد یهودی از عدالت موجود تحت تأثیر قرار گرفت، و

1. إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنِ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا، وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا، وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا. نساء (4): 107-105.

اذعان کرد که زره از آن امام علی (ع) بوده است (ابن اثیر، 1385ق، ج 3: 401؛ ابن کثیر الدمشقی، بی تا، ج 8: 5-4؛ المجلسی، 1404ه.ق، ج 34: 316). تردیدی نیست که چنین شرایطی، نتیجه آیات صریح قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) بود که توانست عدالت را با چنین عمق و استحکامی در عمل جاری سازد. وقتی خلیفه دوم خواست بین حضرت علی (ع) و یک یهودی قضاوت کند، امام علی (ع) را با کنیه «ابوالحسن» خطاب کرد و مرد یهودی را به اسم خودش، امام علی (ع) برافروخت و ناراحت شد که چرا او را با کنیه که نشانه بزرگداشت و احترام است - خطاب کرده. سپس به عمر گفت من ناراحت شدم که مرا با کنیه خطاب کردی مبادا آن یهودی گمان کند که عدالت از بین ما مسلمانان رفته است (ابن ابی الحدید، 1387ه.ق، ج 17: 65). پیامبر اسلام (ص) دستور داده که هر کس خواست بین مردم قضاوت کند باید حتی در نگاه کردن، اشاره کردن و لحن صحبت با طرف های مقابل عدالت را رعایت نماید (اسحاق بن راهویه مُسند، 1412ق، ج 1: 83؛ البغدادی الدار القطنی، 1386ه.ق/1966م، ج 4: 131؛ الامام الحافظ احمد بن علی المثنی التمیمی، 1992م، ج 10: 264؛ ابو شجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه الدیلمی الهمدانی، 1400ق/1986م، ج 1: 337).

تا اینجا برخی مباحث کلی را در خصوص ضرورت و اهمیت عدالت مطرح کردیم تا نشان دهیم عمل به عدالت در همه حال، با هر کس، در هرزمینه‌ای و در هرشرایطی از اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر اسلام است. اینکه دقیقاً چه عملی عادلانه است به مصداق موضوع عمل و شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد. آنچه مهم است این مطلب است که در روابط و تعامل با هر انسانی و هر کشوری، عدالت به عنوان یک اصل کلی و حاکم، باید مورد توافق قبلی باشد و در هر موضوع خاص، تصمیم و رفتار عادلانه صورت پذیرد.

2-4. ایجاد قرارداد و پایبندی به آن

عهد و پیمان و قرارداد، از مهم‌ترین شیوه‌ها و راهبردهای سیاسی اجتماعی اسلام به شمار می‌رود که از ابتدای ظهور اسلام جایگاه و اهمیت خود را پیدا کرد و به عنوان یک راهبرد اساسی در پیشبرد امور حل اختلافات، و روابط مسالمت آمیز به کار بسته

شد. اولین قرارداد یا پیمان سیاسی اجتماعی که روابط نظام‌مندی را در قالب یک نظام سیاسی تضمین کرد و اولین قانون اساسی مکتوب جهان نام گرفت، پیمان و قرارداد پیامبر اسلام (ص) با اقوام مختلف و اقلیت‌های موجود در شهر مدینه بود که در ابتدای ورود پیامبر اسلام (ص) به مدینه منعقد گردید (ر.ک: حمیدالله، 1374، 110-106). عهد و پیمان و قرارداد به عنوان سازوکار و ابزار عملی و اجرایی، می‌تواند متناسب با شرایط زمانی و مکانی و در هر موضوعی، بین طرف‌های مختلف منعقد شود تا تعامل و همکاری، و به تبع آن منافع آنها را تضمین نماید. قراردادهایی که در متون فقهی موجود است و بین مسلمانان و اقلیت‌ها در دوره‌های مختلف به تناسب جوامع ساده آن زمان جریان داشته است، نمونه‌هایی تاریخی است ولی الگو، قالب و نوع قرارداد محدودیتی ندارد و می‌تواند به هر صورتی منعقد گردد. این قراردادها برای همزیستی یا تعامل مسلمانان با اقلیت‌های غیرمسلمان در جوامع اسلامی یا غیرمسلمانان در مناطق دیگر در طول تاریخ اسلام، وجود داشته و به آنها عمل شده که همگی ریشه در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) دارند، و البته در سده‌های بعد مورد توضیح و تفسیر فقها قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، پابندی به قراردادهای بسته شده ضرورت دارد و این امر در حوزه سیاست و اجتماع ابعاد و اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. قرآن کریم به طور مؤکد و مکرر ضرورت پابندی به عهد و پیمان را یادآور شده¹ و نقض عهد و پیمان را جایز نمی‌داند.² اما مقدم بر خود پیمان و اهمیت پابندی به آن، ضرورت وجود عهد و پیمان در جوامع بشری به عنوان مبنایی برای شکل‌گیری نظام‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی است. اساس شکل‌گیری جامعه و حکومت اسلامی پس از ورود پیامبر اسلام (ص) به مدینه، عهد و پیمان آن حضرت با غیرمسلمان‌ها و اقلیت‌ها بود و این امر به سایر مناطق آن روز نیز گسترش یافت (ر.ک: حمیدالله،

1. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ. مائده (5): 1.
2. وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا... نحل (16): 91. وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. الإسراء (17): 34. وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا. بقره (2): 177. الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ. انفال (8): 56.

1374، 110-103). از دیدگاه حضرت علی (ع) در مورد عهد و پیمان چنین برمی‌آید که در شرایطی که هیچ انگیزه، منفعت و اعتقاد مشترکی بین انسان‌ها وجود نداشته باشد تا بر مبنای آن توافق کنند - و این وضعیت بسیار خطرناکی خواهد بود - فقط «عهد و پیمان» عامل مشترکی است که می‌تواند تمام انسان‌ها را از هر دین و مذهب و قوم و ملت به هم متصل کند و نقطه اتکایی برای جوامع بشری باشد تا با تمسک به آن، همکاری و همزیستی در جامعه صورت گیرد و آرامش و امنیت اجتماعی تضمین شود؛ به همین دلیل، از دیدگاه امام علی (ع) تحت هیچ شرایطی شکستن این حریم امن جایز نیست حتی اگر این پیمان با دشمن منعقد شده باشد و تداوم آن موجب ضرر و خسران باشد، در این صورت باید خسران و پیامدهای زیانبار پیمان بسته‌شده را تحمل کرد ولی نقض پیمان، و خیانت و فریب در آن به هر صورت و به هر دلیل، روا نیست، با اینکه طرف مقابل دشمن در حال جنگ است (نهج البلاغه، 1371، نامه 53: 339). به هر حال مسلم است که اصل وجود عهد و پیمان و پایبندی به آن تحت هر شرایطی، می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهبردهای روابط با غیرمسلمان‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

گاهی بسیاری از موضوعات و مباحث، بدیهی، اولیه و عقلی به شمار می‌روند و چنین تصور می‌شود که نیازی به بحث و استدلال در آن زمینه وجود ندارد، مثل برخی مباحثی که در این مقاله مطرح شد، و به نظر می‌رسد بدون مبنای دینی و بدون استدلال به قرآن و سنت نیز، عقل انسان حکم می‌کند که چنین راهبردهایی را در روابط با غیرمسلمان‌ها برگیرد و به آنها عمل کند. اما به سه دلیل، طرح چنین مباحثی ضرورت دارد، نخست اینکه مبانی دینی و قرآنی بسیاری از رفتارها روشن شود. حتی اگر این رفتارها بدیهی و عقلی به نظر برسد، چراکه اسلام نیز دین عقل و فطرت است و چیزی برخلاف آن حکم نمی‌کند. تبیین مبانی و بنیان‌های نظری این رفتارها، شالوده‌ای برای رسیدن به نظریه‌های بعدی در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل خواهد بود. دوم اینکه برخی از مؤمنان، برای هر گونه اقدام و عمل خود، به دنبال مبنا و تأییدی در قرآن و سنت هستند. با اینکه اسلام بخش عمده‌ای از

موضوعات سیاسی اجتماعی را به عقل خود انسان‌ها واگذار کرده، ولی عده‌ای با وسواس بسیار، برای هر امری شواهد قرآنی یا استنادات به سنت را جست‌وجو می‌کنند؛ بنابراین، طرح و بحث در مباحث بدیهی و عقلی، اطمینان‌خاطری برای این گروه در رفتار و تعامل با غیرمسلمان‌ها خواهد بود. سوم اینکه ممکن است عقلی و بدیهی بودن بسیاری از رفتارها و باورها، فقط برای عده‌ای خاص مثل استادان و پژوهشگران، اقشار دارای مطالعه، یا جوامع با سطح آگاهی بالا محرز باشد در حالی که برای بسیاری دیگر روشن نباشد. به عنوان مثال گروه‌های بسیاری به اسم اسلام به اقداماتی دست می‌زنند که نه تنها با قواعد دین اسلام، بلکه با عقل بشر هم سازگار نیست. جنایت‌هایی که در بحران جاری سوریه به اسم اسلام و به زعم خودشان با انگیزه‌های الهی توسط سلفی‌ها صورت می‌گیرد باور نکردنی است، در یکی از این اقدامات، که روز 22 اردیبهشت 1392 خبر، فیلم و عکس آن در رسانه‌ها پخش شد، یکی از آنها سینه‌سرباز سوری را شکافت قلب او را در آورد به یک دست، و جگر او را به دست دیگر گرفت و سپس جگر او را به دندان کشید.¹ موارد متعددی از کشتارهای فجیع سلفی‌های تندرو را خودشان فیلم برداری و پخش می‌کنند که با صدای الله اکبر و لاله‌ل‌الله همراه است. چنین افراد و گروه‌هایی اندک نیستند و طیف قابل‌اعتنایی را در جهان اسلام تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، ما همچنان نیاز داریم مباحث بدیهی و اولیه‌ای را که اسلام برای اعراب جاهلی در هزار و چهارصد سال پیش بیان می‌کرد باز هم متناسب با شرایط امروز بازخوانی کنیم.

1. در خبرها آمده این فرد «خالدالحمد ملقب به ابو صقار» فرمانده یکی از گروه‌های سلفی بوده است.

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه، (1371). مترجم: سید جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
ابن ابی الحدید (1387ه.ق.). شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ابن اثیر (1390ق.). أسد الغابة فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ابن کثیر (بی تا). السیرة النبویة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن هشام (بی تا). السیرة النبویة، محقق: مصطفی سقا و آخرون، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

_____ السیرة النبویة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ابو شجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه الیدلمی الهمدانی (1400ق/1986م). الفردوس بمأثور

الخطاب، محقق: سعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (1367). نبرد جمل، مترجم: محمود مهدوی

دامغانی، تهران: نی.

_____ (1414ق/1993م). الارشاد، بیروت: دارالمفید.

احمد بن حنبل (1420ه.ق/1999م). المسند، بیروت: مؤسسة الرسالة.

الاحمدی المیانجی، علی بن حسینعلی (1339). مکاتیب الرسول، قم: المطبعة العلمیه.

اسحاق بن راهویه مُسند (1412ق). مدینه: مکتبه الایمان.

الامام الحافظ احمد بن علی المثنی التمیمی (1992م). مُسند ابی یعلی الموصلی، محقق: حسین

سلیم أسد، دمشق: دارالثقافة العربیه.

بجنوردی، سید حسن (1419ه.ق.). القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.

البغدادی الدار قطنی، ابوالحسن علی بن عمر (1386ه.ق/1966م). سنن الدار قطنی، مصحح: سید

عبدالله هاشم یمان المدنی، القاهرة: دارالمحاسن للطباعة.

بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (1405ق/1985م). دلائل النبوة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جوادی آملی، عبدالله (1388). روابط بین الملل در اسلام، قم: اسراء.

الحرّ العاملی، محمد بن حسن (1409ه.ق.). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت قم.

حقیقت، سید صادق (1385). مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- حمیدالله، محمد (1374). نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص)، مترجم: سید محمد حسینی، تهران: سروش.
- الدمشقی، ابن کثیر (بی‌تا). *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- زمخشری (1407ق). *تفسیر الکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیط ابن الجوزی (بی‌تا). *تذکرۃ الخواص*، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- سجادی، سید عبدالقیوم (1383). *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین (1404ق). *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (1367). *تفسیر المیزان*، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: اسلامی.
- الطبرسی، ابی علی‌الفضل بن الحسن (1399ق/1979م). *اعلام الوری*، بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، احمدبن علی بن ابی طالب (1387). *احتجاج*، مترجم: بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمدبن جریر (1375). *تاریخ طبری*، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عزالدین علی ابن اثیر. (1385ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (1388). «عدالت توافقی در اسلام»، علی اکبر علیخانی و همکاران، نظام سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- _____ (1377 تا 1384). *فقه سیاسی؛ مجموعه نه‌جلدی*، تهران: امیرکبیر.
- غضبان، منیرمحمد (1379). *خط‌مشی سیاسی در سیره نبوی*، مترجم: عمر قادری، تهران: احسان.
- غفوری، محمد (1387). *اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر (ص)*، تهران: مهاجر.
- فیض کاشانی، ملا محسن (1415ه.ق). *تفسیر صافی*، تهران: مکتبه‌الصدر.
- قرضاوی، یوسف (1998م). *الاقلیات الدینیة و الحل الاسلامی*، بیروت: المکتب الاسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (1404ق). *تفسیر قمی*، قم: دارالکتب.
- المجلسی، محمدباقر (1404ه.ق). *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
- محمد بن عمر واقدی (1369). *مغازی*، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران: دانشگاهی.
- منتظری، حسینعلی (1409ق). *فقه‌الدوله؛ داراسات فی ولایة الفقیه*، قم: تفکر.
- المنقری، نصر بن مزاحم (1370). *پیکار صفین*، مترجم: پرویز اتابکی، تهران: انقلاب اسلامی.
- موسوی، سید محمد (1386). *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- همدانی، رفیع الدین اسحق بن محمد (1359). *سیرت رسول الله (ص)*، مصحح: اصغر مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واحدی، ابوالحسن علی بن احمد (1411ق) *اسباب النزول*، محقق: احمد الصقر، بیروت: دارالکتب العلمیه.